

جایگاه انرژی در سیاست خارجی عربستان سعودی

معصومه سالاروند؛ پرهام پوررمضان؛ حسین معین آبادی^۳

۱۲

دوره ۶، شماره ۲، پیاپی ۱۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۷/۱۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۰/۱۵

صص: ۱۵۹-۱۳۹

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X
شابا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۵۵۱



DOI: 10.22080/jpir.2025.28265.1412

چکیده

سیاست خارجی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. یکی از مهم‌ترین این عوامل، منابع طبیعی و به‌خصوص انرژی است. ذخایر نفت و گاز در عربستان سعودی؛ در سیاست‌های اقتصادی و داخلی این کشور نقشی محوری ایفا می‌کند. در این راستا، انرژی به‌عنوان الگوی کلیدی در دیپلماسی عربستان تبیین می‌شود. این کشور به عنوان یکی از اعضای اوپک، تأثیرگذاری بالایی بر قیمت جهانی نفت دارد و تصمیمات این سازمان در زمان بحران‌های جهانی، می‌تواند به تقویت موقعیت سیاسی عربستان کمک کند. هرگاه که قیمت نفت کاهش یافته، عربستان با کاهش تولید به استحکام بازار نفت کمک کرده و در عوض، نفوذ خود را در عرصه بین‌المللی افزایش داده است. حال باتوجه به موارد مذکور؛ پرسش اصلی این پژوهش را می‌توان در «سیاست خارجی عربستان سعودی انرژی چگونه بر قدرت (نرم / سخت) این کشور تأثیر می‌گذارد؟» در نظر گرفت. روش پژوهش این مقاله کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی است. همچنین فرضیه پژوهش این است که وابستگی عربستان به درآمدهای نفتی، به شکل‌گیری سیاست‌های خارجی آن به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک تأثیر عمیقی گذاشته و این کشور را قادر می‌سازد تا در معادلات جهانی نفوذ بیشتری پیدا کند. در نهایت عربستان با استفاده ژئواکونومی خود، به تقویت نفوذ سیاسی پرداخته و در عین حال، با چالش‌های جدی در عرصه جهانی مواجه است. بنابراین، نیاز به یک رویکرد متعادل و پایدار و تنوع بخش در استفاده از منابع انرژی، برای حفظ جایگاه عربستان در نظام بین‌المللی ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: عربستان، انرژی، ژئواکونومی، اقتصاد انرژی، واقع گرایی.

۱. کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی. دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)

masom1991@gmail.com

۲. پژوهشگر گروه کشمکش و همکاری در خاورمیانه، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ایران

۳. عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

مقدمه

موضوع تحلیل جایگاه انرژی در سیاست خارجی عربستان سعودی یکی از موضوعات کلیدی در عرصه بین‌الملل به شمار می‌آید. این کشور، با داشتن بزرگ‌ترین ذخایر نفت جهان و برترین مقام تولیدکننده نفت، به‌عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در بازار جهانی انرژی و سیاست‌های بین‌المللی شناخته می‌شود. از آغاز قرن بیستم، نفت به‌عنوان یک منبع حیاتی نه‌تنها برای تأمین انرژی کشورهای مختلف بلکه به‌عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به سیاست‌های خارجی نیز مورد توجه قرار گرفته است. عربستان با استفاده از منابع انرژی خود، به‌ویژه نفت و گاز، توانسته است تأثیر عمیقی بر تحولات سیاسی منطقه و جهان بگذارد. عربستان سعودی تحت رهبری خاندان سلطنتی آل سعود، از دهه‌ها پیش به‌دنبال تثبیت موقعیت خود در عرصه سیاست جهانی بوده است. استفاده از منابع انرژی به‌عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی، در اولویت برنامه‌های این کشور قرار دارد. این موضوع به‌ویژه از طریق مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی نظیر اوپک و همکاری با کشورهای بزرگ مصرف‌کننده انرژی مانند ایالات متحده آمریکا و چین محقق می‌شود. انتقال از یک اقتصاد متکی به نفت به یک اقتصاد متنوع‌تر به‌عنوان جزء اصلی برنامه‌های اصلاحی عربستان سعودی تحت عنوان "چشم‌انداز ۲۰۳۰" نیز نشان‌دهنده این واقعیت است که عربستان علاوه بر تأمین انرژی، به دنبال ایجاد مسیرهای جدید برای صادرات انرژی، توسعه فناوری‌های نوین و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی است. به علاوه بر تأمین انرژی، عربستان سعودی برای تقویت موقعیت خود در منطقه، سیاست‌های قاطعی را در قبال همسایگان و کشورهای در حال توسعه اتخاذ کرده است. این سیاست‌ها معمولاً از طریق استفاده از منابع مالی ناشی از درآمدهای نفتی و همچنین حمایت نظامی از دولت‌های متحد انجام می‌شود. به‌عنوان مثال، عربستان در بحران‌های یمن و سوریه با ورود نظامی و کمک‌های مالی در تلاش برای حمایت از دولت‌های مورد نظر خود بوده است. این اقدامات نه‌تنها به معنای استفاده از منابع انرژی به‌عنوان نیروی محرکه سیاست خارجی است بلکه همچنین به‌منزله حفظ نظم (مورد نظر عربستان) و تضمین منافع اجتماعی-اقتصادی عربستان نیز تلقی می‌شود. در سطح جهانی، عربستان به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان عمده نفت و گاز در جهت تحکیم روابط با کشورهای بزرگ صنعتی تمام تلاش خود را به‌کار گرفته است. این

ارتباطات نه تنها در حوزه اقتصادی، بلکه در زمینه‌های سیاسی و نظامی نیز ادامه یافته است. همکاری‌های استراتژیک با آمریکا در زمینه‌های نظامی و امنیتی و همچنین تقویت روابط با چین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی، نشان‌دهنده تلاش عربستان برای تأمین منافع خود است. در نتیجه، بررسی جایگاه انرژی در سیاست خارجی عربستان سعودی نه تنها به شناخت بهتر سیاست‌ها و استراتژی‌های این کشور کمک می‌کند، بلکه به تحلیل پیچیدگی‌های روابط بین‌المللی در عصر حاضر نیز می‌انجامد. این امر همچنین فرصتی برای دیپلمات‌های دیگر کشورها فراهم می‌آورد تا با درک عمیق‌تری از رفتارهای عربستان، راهی به سوی همکاری‌های مؤثرتر و ایجاد ثبات در منطقه خاورمیانه پیدا کنند. با توجه به تمامی این موارد، بررسی ابعاد مختلف نقش انرژی در سیاست خارجی عربستان سعودی و تحلیل تأثیرات آن بر روابط بین‌الملل، یک ضرورت پژوهشی در زمینه دیپلماسی مدرن و تحولات جهانی است که می‌تواند به عنوان محور اصلی فعالیت‌های پژوهشی و دانشگاهی در این حوزه مورد توجه قرار گیرد.

۲-پیشینه:

مطالعات پیشینی این پژوهش را می‌توان به سه دسته پیرامون سیاست خارجی عربستان، وضعیت انرژی و نقش انرژی در سیاست خارجی صورت بندی کرد. به طوری که در اولین مورد می‌توان به مطالعات پیرامون سیاست خارجی عربستان سعودی اشاره کرد. اسدی (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان « سیاست خارجی عربستان سعودی: منابع، اهداف و مسائل» این ایده را دنبال می‌کند که سیاست خارجی عربستان سعودی در عصر کنونی بر دیدگاه جدید از عناصر کهن سعودی یعنی برتر بودن در منطقه خلیج فارس و نگاه نوینی به آموزه های اسلامی شکل می‌گیرد که سبب شده که این کشور اهداف اقتصادی خود را در سیاست خارجی توسعه گرا با تاکید بر این مولفه ها بهبود بخشد. در نگاهی دیگر بزرگمهری و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان « شکل گیری سیاست خارجی در عربستان سعودی: عوامل درونی تاثیرگذار» این ایده را دنبال می‌کنند که سیاست خارجی عربستان سعودی به طور مرتب در میان عوامل داخلی و خارجی در حال گردش و جریان است و این بدان معناست که وابستگی فزاینده به سمت غرب در زمان ملک سلمان، و علاقه شاه پدر به مسئله فلسطین همواره این کشور را در راهبردهای منطقه ای و فرا منطقه ای در بزنگاه هایی سخت قرار می دهد. اسکوف (۲۰۲۴) در مقاله ای

با عنوان «جستجوی ثبات در میان بی‌نظمی؛ مطالعه موردی سیاست های خارجی عربستان سعودی ۲۰۲۰-۲۰۱۰» به این امر می‌پردازد که وجود جهانی شدن دسترسی به توسعه اقتصادی در سراسر جهان را تشویق می‌کند که صرفاً به یک بخش متکی نیست، به ویژه در بخش گردشگری. چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی، در تئوری سیاست خارجی، به عنوان استراتژی عربستان سعودی برای تنوع بخشیدن به اقتصاد این کشور تلقی می‌شود. دولت عربستان سعودی تلاش هایی را برای تنوع بخشیدن به بخش درآمد با هدف کاهش وابستگی اقتصادی این کشور به صادرات نفت خام انجام داد. از طریق چشم انداز ۲۰۳۰، گردشگری به عنوان یک سهم قابل توجه در درآمد دولت در اولویت قرار گرفته است. در دومین مورد می‌توان به مطالعات پیرامون وضعیت انرژی عربستان سعودی اشاره کرد به طوری که دروژ و دیگران^۱ (۲۰۲۴) در مقاله ای با عنوان «رویکرد تحلیلی بر انرژی، فناوری و رشد اقتصادی در عربستان سعودی» این ایده را دنبال می‌کنند که انرژی، جمعیت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، صادرات انرژی و قیمت انرژی بر رشد اقتصادی عربستان سعودی تأثیر مثبت دارند. در نگاهی دیگر الگوری و دیگران^۲ (۲۰۲۴) در مقاله ای با عنوان "انتقال انرژی عربستان سعودی: ارزیابی آینده هیدروژن سبز در کاهش تغییرات آب و هوایی" این ایده را دنبال می‌کنند که از سال ۲۰۲۱، عربستان سعودی تقاضای جهانی ۸ گیگاوات هیدروژن را به رسمیت می‌شناسد و پیش بینی ها حاکی از رشد سرسام آور آن بین ۸۰ تا ۱۰۰ تراوات ساعت تا سال ۲۰۳۰ است. افزایش تقاضای هیدروژن سبز و حضور آن در ماتریس انرژی عربستان سعودی ذاتاً با ظهور یک زیرساخت قوی در این عرصه برای آینده مرتبط است. در نهایت آلارنان و دیگران^۳ (۲۰۲۱) در مقاله ای با عنوان "مدل سازی تقاضای انرژی صنعتی در عربستان سعودی" بر این امر استوارند که بین سال‌های ۱۹۸۶ و ۲۰۱۶، مصرف انرژی صنعتی در عربستان سعودی ده برابر افزایش یافت و آن را به یکی از بزرگترین بخش‌های مصرف نهایی در این کشور تبدیل کرد از این رو عربستان سعودی در سال ۲۰۱۶ برنامه اصلاح قیمت انرژی را به اجرا گذاشت. قیمت برق، سوخت و آب را برای خانوارها و صنعت افزایش داد. در سومین مورد پیرامون

Derouez, F., Ifa, A., Aljughaiman, A. A., Bu Haya, M., Lutfi, A., Alrawad, M., - ۱

& Bayomei, S

Hassan, Q., Algburi, S., Sameen, A. Z., Jaszczur, M., Salman, H. M., - ۲

Mahmoud, H. A., & Awwad, E. M

Alarenan, S., Gasim, A. A., & Hunt, L. C. - ۳

وضعیت انرژی عربستان سعودی و سیاست خارجی این کشور کار جامعی صورت نگرفته است. بنابراین می‌توان گفت که این مقاله، نخستین اثری است که در ایران، به تحلیل جایگاه انرژی در سیاست خارجی عربستان سعودی می‌پردازد.

تفاوت پژوهش حاضر با کارهای انجام‌شده قبلی در چند مورد است که به صورت خلاصه ذکر می‌شود:

الف) بررسی جایگاه انرژی در سیاست خارجی عربستان سعودی

ب) تاثیر انرژی بر قدرت (سخت/نرم) عربستان سعودی

ج) بررسی دورنمای آینده انرژی عربستان سعودی در جهان

۳- چارچوب نظری:

۳-۱. مفاهیم نظری

۳-۱-۱. ژئوپلیتیک انرژی

ژئوپلیتیک انرژی به بررسی تأثیرات سیاسی و استراتژیک منابع انرژی بر روابط بین‌المللی و سیاست کشورها می‌پردازد. این مفهوم به ویژه در دنیای امروز، جایی که انرژی به عنوان یکی از ارکان اصلی قدرت و تأمین نیازهای اقتصادی کشورها مطرح است، بسیار مورد توجه قرار گرفته است (Kramer, 2019: 18). اولین و مهم‌ترین نکته در مورد ژئوپلیتیک انرژی، تأثیر آن بر امنیت ملی کشورهاست. کشورهایی که دارای منابع انرژی طبیعی هستند، می‌توانند به عنوان بازیگران کلیدی در سطح بین‌المللی عمل کنند. این منابع می‌توانند به عنوان ابزاری جهت نفوذ سیاسی و اقتصادی مورد استفاده قرار گیرند. به عنوان مثال، کشورهای دارای ذخایر قابل توجه نفت و گاز مانند روسیه و عربستان سعودی می‌توانند با فروش منابع خود، قدرت اقتصادی و سیاسی خود را افزایش دهند (Tsalik & Baker, 2004: 18). در نگاهی دیگر تغییرات در حوزه های تکنولوژی، محیط زیست، و سیاست‌های بین‌المللی نیز بر ژئوپلیتیک انرژی تأثیرگذار است. به عنوان مثال، رشد تکنولوژی‌های انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی می‌تواند تأثیرات عمیقی بر روابط بین‌کشوری ایجاد کند. همچنین مسائل محیط زیستی و توافقات جهانی مانند پیمان پاریس نیز بر سیاست‌های انرژی کشورهای مختلف تأثیرگذار هستند. (Yergin, 2006: 8)

۲-۱-۳ سیاست خارجی توسعه گرا

سیاست خارجی توسعه گرا به مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و اقداماتی اطلاق می‌شود که هدف آن‌ها افزایش و توسعه روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها با یکدیگر است. این سیاست‌ها معمولاً در راستای ایجاد همکاری‌های بین‌المللی و تقویت موقعیت کشور در سطح جهانی طراحی می‌شوند و ویژگی‌هایی دارند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- تحریک همکاری‌های اقتصادی: این سیاست‌ها به ایجاد و تقویت روابط تجاری و سرمایه‌گذاری میان کشورها کمک می‌کنند. به عنوان مثال، ایجاد توافق‌های تجاری و توسعه شراکت‌های اقتصادی می‌تواند به رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال کمک کند. (Gonzalez, 2020: 12)

۲- توسعه زیرساخت‌ها: همکاری در زمینه توسعه زیرساخت‌ها (نظیر حمل و نقل، انرژی و فناوری اطلاعات) از دیگر ابعاد سیاست خارجی توسعه گراست. پروژه‌های مشترک می‌توانند به لحاظ فنی و مالی برای کشورهای در حال توسعه مزیت ایجاد کنند. (Radelet, 2010: 13)

۳- تقویت روابط فرهنگی و اجتماعی: سیاست خارجی توسعه گرا به ترویج فرهنگ و تبادل اجتماعی نیز می‌پردازد. این تبادلات می‌توانند به فهم بهتر فرهنگ‌ها و کاهش تنش‌ها کمک کنند. (Radelet, 2010: 6)

۴- حمایت از حقوق بشر و توسعه پایدار: بسیاری از کشورهای توسعه گرا به ترویج حقوق بشر و تحقق اهداف توسعه پایدار در سیاست‌های خود اهمیت می‌دهند. این کار معمولاً از طریق کمک‌های انسانی و فنی به کشورهای در حال توسعه انجام می‌شود. (Gonzalez, 2020: 12)

در نهایت نیز باید مطرح کرد که سیاست خارجی توسعه گرا یک رویکرد چندوجهی است که می‌تواند به توسعه پایدار و تقویت روابط بین‌المللی کمک کند. با توجه به چالش‌های جهانی کنونی، از جمله تغییرات آب و هوایی، ناامنی‌های منطقه‌ای و بحران‌های اقتصادی، اجرای سیاست‌های توسعه گرا به عنوان یک ابزار کلیدی برای کشورهای در جهت دستیابی به اهداف خود مطرح می‌شود.

۲-۳. نظریه واقع گرایی^۱

بدون شک نظریه واقع گرایی را می‌توان به طور عملی به عنوان پایدارترین نظریه روابط بین‌الملل در نظر گرفت به طوری که صحبت از روند و تحولات نظریات مبتنی بر جریان اصلی با نام آغاز گران

و تبیین گران این نظریه قرین است (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۷۳). بشر از زمانی که توانست زیست را چه در معنای امروزی و چه در معنای قدیم آن به کار بگیرد همواره دچار انگاره‌های دوسویه‌ای همچون حق و باطل، سفید و سیاه و مسائلی از این دست بوده است که حال با ترکیب این امر و علم روابط بین الملل بهتر می‌توان در عالم نظریه‌ها گام برداشت. نظریه واقع‌گرایی در معنای مفهومی بالا از تضاد بین واقعیت و رویا یا شاید هم خیال پردازی شکل گرفت، به طوری که در دوران قبل از دومین جنگ جهانی، بویژه با نگارش کتابی با عنوان بحران بیست ساله اثر ادوارد هالت کار این دوگانه یعنی واقعیت یا آرمان شهر در روابط بین الملل مطرح گردید (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۲۰۴). واقع‌گرایی کلاسیک که یک سنت فکری ارزشمند است در واقع از سه رویکرد فکری مهم تشکیل شده که در نخستین مورد می‌توان به تأثیر پذیرندگان از ماکیاوولی اشاره کرد که با عنوان بنیادگرایان واقع‌گرا صورت بندی می‌شوند. در نگاه بعدی می‌توان به طرفداران هابز اشاره کرد و آن‌ها را ساختارگرا در نظر گرفت و در نهایت می‌توان به طرفداران فکری روسو اشاره کرد که در دسته رویکرد تکوین‌گرایان صورت بندی می‌شوند (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۷۴).

رویکرد واقع‌گرایی، رویکردی تجربی و عمل‌گرا است و بر بکارگیری موثر و عاقلانه‌ی قدرت، توسط کشورها با هدف تامین منافع ملی تاکید دارد. سیاست خارجی واقع‌گرا، سیاستی منفعت‌محور است که مهم‌ترین هدفش، تامین و تعقیب منافع ملی است که براساس قدرت ملی تعریف می‌شود. با چنین برداشتی، مکتب واقع‌گرایی توانست به عنوان یکی از مکاتب نظری منسجم مطرح همواره یکی از رویکردهای مطالعاتی در حوزه سیاست خارجی دولت‌ها بوده و مفاهیم متعددی را مورد تحلیل قرار دهد. مفهوم منافع ملی از جمله مفاهیمی است که توسط نظریه پردازان مکتب واقع‌گرایی مورد پردازش قرار گرفته است. مورگنتا یکی از برجسته‌ترین نظریه پردازان واقع‌گرا مفهوم منافع ملی را در کانون توجه مباحث نظری این حوزه مطالعاتی به عنوان واقعیتی عینی و مبهم جهت شناخت فکر و اقدام سیاست‌گذاران قلمداد نموده و معتقد بود که منافع ملی معیاری همیشگی است که با آن باید اقدام سیاسی را ارزیابی نمود و آماج‌های سیاست خارجی نیز بایستی بر این مبنا تعریف شوند (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۳۹-۲۳۸). مورگنتا تاکید دارد که در روابط بین‌الملل، نیروی مسلح مهم‌ترین عامل تشکیل دهنده قدرت یک دولت به حساب می‌آید. این موضوع منجر به شکل‌گیری این ایده می‌شود که در واقع‌گرایی مدرن، نیروی نظامی تنها عامل قدرت مادی دولت محسوب نمی‌شود و فقط به عنوان مهم‌ترین عنصر در

تشکیل قدرت است. مورگنتا به سایر عناصر قدرت توجه می‌کند که شامل این موارد هستند: جغرافیا، منابع طبیعی، جمعیت، کیفیت دیپلماسی و حکومت. بنابراین، منابع انرژی به عنوان واقعیات فیزیکی موجود در سرزمین و تحت کنترل دولت که دارای اثرات عمیق بر ظرفیت صنعتی کشور است تقسیم بندی می‌شود (Sutch and Elinas, 2007:49).

دیپلماس انرژی در نظام بین‌الملل به ابزار کارآمدی برای تاثیرگذاری تبدیل شده و عرضه انرژی به عنوان بخشی از زرادخانه سیاست‌گذاری دولت‌ها مانند سایر ابزارهای اقتصادی و قدرت نظامی و تاکتیک‌های دیپلماتیک به شمار می‌آیند.

در شرایطی فعلی جهانی، دولت‌های صادرکننده نفت و گاز کنترل خود بر منابع انرژی را افزایش داده و خارج از بازار جهانی انرژی به فعالیت می‌پردازند. در حال حاضر، صادرکنندگان صنایع انرژی خود را ملی اعلام کرده و فضای کمتری برای بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌کنند و هم‌چنین از انرژی به عنوان ابزاری برای پیشبرد دستور کار سیاست خارجی استفاده می‌نمایند. در چنین شرایطی، دولت‌ها به عنوان مهم‌ترین بازیگران سیاست انرژی را تعریف کرده و قوانین و مقررات لازم برای جهت‌دهی به فعالیت در حوزه انرژی تعیین می‌کنند (Umbas, 2011:4).

۴- سیاست خارجی عربستان سعودی

سیاست خارجی عربستان سعودی یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین سیاست‌های منطقه‌ای در خاورمیانه محسوب می‌شود. این کشور که به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در جهان شناخته می‌شود، از زمان تأسیس در سال ۱۹۳۲، تأثیرات قابل توجهی بر روندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در منطقه و جهان داشته است. عربستان سعودی با توجه به موقعیت جغرافیایی‌اش، پیوندهای تاریخی و اعتقادات مذهبی، به عنوان یکی از قطب‌های اصلی جهان اسلام و از بازیگران کلیدی در نظام بین‌المللی ش‌ناخته می‌شود (Al-Rasheed, 2010:5) این کشور نیز همانند دیگر ساختارهای سیاسی در سیاست خارجی خود اهداف گوناگونی را دنبال می‌کند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۱- حفاظت از امنیت ملی: از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی عربستان سعودی حفاظت از امنیت ملی خود و مقابله با تهدیدات منطقه‌ای است. این کشور با چالش‌های امنیتی مختلفی از جمله افراط‌گرایی و تهدیدات از سوی کشورهای همسایه مواجه است. (Gengler, 2018:3).

۲- تحکیم منافع اقتصادی: عربستان سعودی برای تأمین منافع اقتصادی خود و حفظ ثبات بازار جهانی نفت، به گسترش روابط اقتصادی با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی اهتمام دارد. این کشور با استفاده از منابع نفتی خود، به یکی از بازیگران اصلی اقتصاد جهانی تبدیل شده است.^(Kamrava,2019:10)

۳- رهبری در دنیای اسلام: عربستان سعودی به عنوان کشور میزبان دو مکان مقدس اسلام (مکه و مدینه) سعی در تقویت نقش خود به عنوان رهبر اسلامی و مدافع حقوق مسلمانان دارد. این کشور همچنین از طریق سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری اسلامی^۱ به تقویت وحدت مسلمانان کمک می‌کند.^(Fawcett,2021:8)

۴-مقابله با نفوذ ایران: یکی از چالش‌های اصلی عربستان سعودی در سیاست خارجی، مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران است. عربستان به ویژه در سال‌های اخیر تلاش کرده است تا با حمایت از گروه‌های مخالف ایران در کشورهای بحران‌زده‌ای مانند سوریه و یمن، توازن قدرت را حفظ کند.^(Harkins,2018:25)

همچنین شایان ذکر است که عربستان سعودی این اهداف را با ابزارهای گوناگونی دنبال می‌کند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت:

۱-تعهدات نظامی: عربستان سعودی با برقراری همکاری‌های نظامی با کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده، سعی در تقویت توان دفاعی خود دارد. مشارکت در ائتلاف‌های نظامی و حمایت از کشورهای هم‌پیمان نیز از دیگر ابزارهای این کشور است.^(Fawcett,2021:18)

۲-دیپلماسی اقتصادی: عربستان با استفاده از ثروت نفتی خود، روابط اقتصادی را با کشورهای مختلف گسترش داده و سرمایه‌گذاری‌های کلانی را در پروژه‌های زیرساختی و اقتصادی انجام می‌دهد.^(Gengler,2018:15)

۳-سیاست‌های فرهنگی و مذهبی: عربستان سعودی تلاش می‌کند تا با برنامه‌های فرهنگی و مذهبی، نفوذ خود را در میان جوامع اسلامی تقویت کند. برگزاری کنفرانس‌های اسلامی و حمایت از مدارس و مراکز آموزشی از جمله این اقدامات است.^(Kamrava,2019:30)

در نهایت باید گفت که سیاست خارجی عربستان سعودی با چالش‌های مختلفی روبرو است؛ رابطه متشنج با ایران به‌عنوان رقیب منطقه‌ای، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های سیاست خارجی عربستان است. این تنش‌ها تا حدی باعث شده است که تقابل‌های نظامی در کشورهای همسایه، به ویژه یمن، تشدید شود. جنگ در یمن و مداخلات نظامی عربستان سعودی تاکنون به بحران انسانی و امنیتی در این کشور منجر شده است. این موضوع باعث انتقادهای بین‌المللی از عربستان شده و تأثیر منفی بر تصویر این کشور در عرصه جهانی داشته است. تغییرات در نظام بین‌المللی، از جمله تغییرات در استراتژی‌های آمریکا در خاورمیانه و کاهش وابستگی به نفت، می‌تواند بر سیاست خارجی عربستان سعودی تأثیر بگذارد (Harkins, 2018:8). سیاست خارجی عربستان سعودی به‌عنوان کشوری کلیدی در خاورمیانه، دارای ابعاد پیچیده و چالش‌های متعددی است. این کشور با تکیه بر قدرت اقتصادی و نفوذ مذهبی خود، سعی در تحکیم موقعیت خود در نظام بین‌المللی دارد. با این حال، برای موفقیت در این زمینه، عربستان سعودی نیازمند مدیریت مؤثر چالش‌های موجود و برقراری روابط بهتر با همسایگان و جامعه جهانی است.

۵- دورنمای آینده انرژی عربستان در جهان

انرژی از جمله موارد حیاتی است که برای توسعه و پیشرفت یک کشور بسیار اهمیت دارد. عربستان که یکی از بزرگترین تولیدکنندگان نفت و گاز در جهان است، تاکنون به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان این منابع انرژی برای جهان شناخته شده است. اما با توجه به تغییرات رو به رشد در صنعت انرژی و نیز مسائل محیط‌زیستی، می‌توان گفت که آینده انرژی عربستان و تأثیر آن بر جهانی شدن بازار انرژی، موضوعی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار خواهد بود. پژوهش‌های اخیر نشان داده است که عربستان باید در مسیری جدید به سمت تنوع انرژی حرکت کند و کمتر از وابستگی به نفت و گاز خود استفاده کند. عواملی از جمله کاهش درآمد از فروش نفت و گاز، تغییرات اقلیمی، و تمایل جهانی به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک، به عنوان دلایل اصلی این مسئله مطرح شده‌اند. به همین دلیل، آینده انرژی عربستان و اقدامات این کشور در جهت تعامل با این تحولات، به یکی از موضوعات کلیدی علم سیاسی تبدیل شده است.

۱-۵. آینده انرژی عربستان سعودی

با توجه به منابع مختلف انرژی حفر شده در عربستان سعودی، آینده انرژی در این کشور می‌تواند با تغییرات عظیمی مواجه شود. با افزایش فشار برای کاهش وابستگی به نفت و همچنین با توجه به تغییرات اقلیمی، عربستان سعودی به دنبال تنوع منابع انرژی است. از سوی دیگر، این کشور دارای بالاترین ذخایر نفت در جهان است و بنابراین باز هم ممکن است نفت در آینده نقش اصلی را در آینده انرژی عربستان سعودی ایفا کند. (Arabia energy, 2023) بر اساس گزارش‌ها و تحلیل‌های اخیر، می‌توان گفت که عربستان سعودی به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان نفت در جهان، در کنار تنوع بخشیدن منابع انرژی خود نیز تلاش می‌کند. این کشور به دنبال کاهش وابستگی به نفت و افزایش تولید انرژی خورشیدی، بادی، هسته‌ای و انرژی‌های تجدیدپذیر دیگر است. این گام‌های مهم به نظر می‌رسد که می‌تواند به کاهش آلودگی محیطی و معضلات اقتصادی در کشور کمک کند. با توجه به این تحولات، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری مناسب در زمینه توسعه انرژی تجدیدپذیر و کاهش وابستگی به نفت، می‌تواند به آینده انرژی عربستان سعودی روشنی بیفزاید. این اقدامات قرار است این کشور را به یکی از منابع اصلی تولیدکننده انرژی تجدیدپذیر در جهان تبدیل کند و نقش مهمی در کاهش گازهای گلخانه‌ای و تشویق به تولید نظیف انرژی داشته باشد. (reuters, 2023)

با توجه به تغییرات جهانی در حوزه انرژی و تلاش‌های عربستان سعودی برای تنوع در مصرف انرژی، آینده انرژی در این کشور دارای اهمیت بسیاری است. بر اساس گزارش‌های مختلف، عربستان سعودی قصد دارد تا سال ۲۰۳۰، ۵۰ درصد از مصرف انرژی خود را از منابع تجدیدپذیر تأمین کند. همچنین برنامه‌هایی برای سرمایه‌گذاری در توسعه انرژی خورشیدی و بادی نیز وجود دارد. (arabnews, 2023)

۲-۵. فرصت‌های و چالش‌های ژئوپلیتیکی عربستان سعودی در راستای انرژی

عربستان سعودی به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان نفت در جهان، در کانون توجهات ژئوپلیتیکی قرار دارد. این کشور با دارا بودن منابع فراوان انرژی، به ویژه نفت و گاز، به عنوان یک بازیگر کلیدی در بازارهای جهانی انرژی و همچنین در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی شناخته می‌شود. با این حال، عربستان با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی در این زمینه روبرو است.

۱-۲-۵. فرصت‌ها:

الف. ذخایر نفت و گاز

بر پایه گزارش شرکت بی پی، در سال ۲۰۲۱ حجم ذخایر نفتی عربستان ۲۵۸ میلیارد و ۶۰۰ میلیون بشکه معادل ۱۷ درصد از کل ذخایر نفت جهان بوده است که بعد از ونزوئلا رتبه دوم جهان را به خود اختصاص داده است (BP, 2021:6).

در زمینه‌ی گاز عربستان از ذخایر چندانی برخوردار نیست. ذخایر گاز عربستان ۸/۵ تریلیون مترمکعب و ششمین دارنده‌ی ذخایر گاز در جهان شناخته شده است (BP, 2022:20). عربستان فاقد میداین مستقل بزرگ گازی است و عمده گاز تولیدی این کشور، گاز همراه نفت است که در کنار تولید نفت حاصل می‌شود و عربستان برای مصرف داخلی و صنایع پتروشیمی و نیروگاه‌های خود به آن نیاز دارد. بنابراین عربستان یک صادرکننده بالفعل و نیز بالقوه گاز طبیعی نیست و برنامه‌ای هم در این زمینه ندارد (Ramady, 2013:12). عربستان سعودی با برخورداری از منابع غنی هیدروکربنی جایگاه ویژه‌ای در حوزه انرژی دارد و یکی از بازیگران تأثیرگذار در عرصه انرژی به‌ویژه نفت محسوب می‌شود.

ب. وابستگی کشورهای صنعتی به نفت عربستان

عربستان سعودی از بدو ورود به بازار جهانی نفت، روابط ویژه‌ای با مصرف‌کنندگان بزرگ نفتی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا داشته است، که باعث تثبیت موقعیت این کشور در بازار جهانی نفت شده است. دولت فرانکلین روزولت در خلال جنگ جهانی دوم موافقت‌نامه‌ای با عبدالعزیز بن سعود پادشاه عربستان برای حفاظت از خاندان پادشاهی عربستان در برابر دشمنان داخلی و خارجی امضا کرد. ایالات متحده در ازای این موافقت‌نامه، حق ویژه‌ای در زمینه بهره‌برداری از ذخایر نفت این کشور به دست آورد که بسیاری از تحلیل‌گران از آن به عنوان «معادله نفت در برابر امنیت» یاد کرده‌اند (Hill, 2002:4). با تحولات گسترده‌ای که در بازار نفت در دهه ۱۹۷۰ روی داد، دامنه بازیگری دولت‌های عمده تولیدکننده نفت رو به افزایش گذاشت، آمریکا در این زمان در راستای سیاست دوستونی نیکسون، روابط خود را در چارچوب مجموعه‌ای از سیاست‌های نفتی، امنیتی و اقتصادی با تهران و ریاض گسترش داد. در پی بروز انقلاب در ایران، ستون مهم‌تر سیاست آمریکا در منطقه و حوزه‌های ذکر شده عملاً فروپاشید و واشنگتن و ریاض هرچه بیشتر به‌ویژه در حوزه انرژی به هم نزدیک شدند (نیکسون، ۱۳۷۱: ۲۶۴). هرچند در پی حوادث ۱۱ سپتامبر برخی تنش‌ها میان دو کشور بروز یافت، اما عربستان هم‌چنان به عنوان یکی از صادرکنندگان نفت به آمریکا باقی ماند و بعد از کانادا، دومین تأمین‌کننده نفت ایالات متحده محسوب می‌شود.

هم‌چنین علاوه بر ایالات متحده، سایر کشورهای صنعتی مانند اتحادیه اروپا، ژاپن و کشورهای صنعتی کوچک جنوب شرقی آسیا نیز به نفت این کشور نیازمندند. عربستان سعودی نیز هم‌اکنون توجه خود را به بازارهای آسیایی و تقاضای روزافزون نفت در این کشورها معطوف کرده است. از آن‌جا که تقاضا در بازارهای آسیایی در حال افزایش است، صادرات نفت خام عربستان به این کشورها نیز افزایش یافته است.

ج. عضویت در سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی

۱. سازمان اوپک

عربستان سعودی یکی از مهره‌های اصلی و بزرگ‌ترین تولیدکننده سازمان اوپک محسوب می‌شود. این کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تغییر سیاست‌های نفتی جمهوری اسلامی، به واسطه توان و ظرفیت تولید، نقش مسلطی در سازمان اوپک پیدا کرد و نقش رهبری و هدایت سازمان و مسائل مربوط به انرژی را برعهده گرفت (Alkhathlan and othr.2014:210). به‌طوری که از اوپک به‌عنوان سازمان تحت رهبری عربستان یاد می‌شود. این کشور به علت ظرفیت مازاد تولید، رهبری جهان عرب و... نافذترین عضو سازمان محسوب می‌شود که می‌تواند با استفاده از این فرصت سایر کشورهای عربی را در راستای اجرای سیاست‌های نفتی با خود همراه کند. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به پایین نگه‌داشتن قیمت نفت و افزایش تولید اشاره کرد.

۲. سازمان تجارت جهانی

عربستان سعودی پس از ۱۲ سال مذاکره، در سال ۲۰۰۵ به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد. در روند آماده شدن برای عضویت، عربستان ۳۴ قانون مربوط به تجارت جدید را تصویب و ۳۸ موافقت‌نامه دوجانبه را امضا کرد. عضویت عربستان در این سازمان فرصت‌هایی را برای این کشور به‌خصوص در حوزه نفت فراهم کرده است که در ذیل به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- تقویت جایگاه عربستان در بازارهای بین‌المللی و منطقه‌ای

- صرفه‌جویی در هزینه بازاریابی به‌ویژه در فروش نفت

- جذب سرمایه‌گذاری خارجی

- دستیابی به دانش فنی و فناوری جدید به‌ویژه در صنعت نفت و گاز

- دسترسی آسان‌تر به بازارهای جهانی (Bourland and others, 2006:16).

۲-۲-۵. چالش ها:

۱. تهدیدات امنیتی تأسیسات نفتی

عربستان یک تأمین کننده قابل اعتماد نفت و هم‌چنین بزرگ‌ترین تولید و صادرکننده نفت خام به بازار جهانی است که از ظرفیت بالای تولید نفت نیز برخوردار است. اقتصاد این کشور و سایر کشورهای مصرف‌کننده به صنعت نفت وابسته است. در نتیجه ثبات عربستان به خصوص در حوزه نفت، برای اقتصاد دنیا امری حیاتی است و هرگونه تهدید امنیت نفتی و حمله به زیرساخت‌های انرژی این کشور می‌تواند هم در بعد داخلی و هم در بعد خارجی تبعاتی را در بر داشته باشد. در بعد داخلی سبب تضعیف دولت مرکزی، کاهش حجم سرمایه‌گذاری خارجی، اختلال در تولید و صادرات نفت و کاهش درآمدهای ارزی دولت خواهد شد. در بعد خارجی نیز موجب کاهش عرضه نفت و افزایش قیمت نفت خواهد شد.

۲. افزایش نیاز جهانی به گاز

همان‌طور که در بخش قبلی ذکر شد، گاز طبیعی طی سال‌های اخیر به عنوان حامی پاک و ارزان از اقبال بیشتری برخوردار شده است و ویژگی‌های مثبت زیست محیطی آن باعث شده تا به عروس سوخت‌های مصرفی معروف شود و قرن بیست و یکم را قرن گاز بنامند. چنین ویژگی‌هایی باعث افزایش مصرف گاز طبیعی و در نتیجه افزایش تقاضای روزافزون برای آن شده است. براساس آمارهای بین‌المللی در سال‌های آتی، گاز طبیعی از بیشترین تقاضا در میان سایر سوخت‌های مصرفی برخوردار خواهد بود و به عنوان یکی از متغیرهای مهم در تعاملات بین‌المللی به سرعت اهمیت ژئوپولیتیکی کسب خواهد کرد. هم‌چنین پیش‌بینی می‌شود در بسیاری از صنایع نیز از نفت سبقت بگیرد (and

(Hartly Kenneth, 2005:5).

در این صورت موقعیت کشورهای صادرکننده نفت مانند عربستان سعودی به مخاطره خواهد افتاد، چرا که عربستان تنها صادرکننده نفت است و مقدار گازی را که تولید می‌کند به مصارف داخلی شامل تولید برق، تهیه آب آشامیدنی (شیرین‌سازی آب) و تزریق به چاه‌های نفت می‌رساند. در نتیجه هیچ‌گونه صادرات گازی نخواهد داشت. بنابراین افزایش مصرف گاز و نیاز جهانی به این سوخت باعث متزلزل شدن جایگاه عربستان به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت خواهد شد و از اهمیت این کشور در آینده خواهد کاست.

۳-۵. راهبرد دیپلماسی انرژی عربستان سعودی

عربستان سعودی، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت در جهان، همچنان نقش مهمی در تأمین انرژی جهانی ایفا می‌کند. با این حال، تغییرات مهمی در دستور کار این کشور به وقوع پیوسته است که چشم انداز آینده انرژی آن را شکل می‌دهد.

۱-۳-۵. برنامه چشم انداز ۲۰۳۰:

برنامه چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی یک برنامه بلندمدت است که توسط دولت عربستان سعودی ارائه شده است، با هدف تحول و توسعه در اقتصاد، زیرساخت‌ها، آموزش، بهداشت و سایر حوزه‌ها. این برنامه اهداف متعددی را در نظر گرفته است از جمله تحول اقتصادی از وابستگی به نفت به سمت تنوع و توسعه صنایع دیگر، ارتقاء سطح زندگی شهروندان، ایجاد فرصت‌های شغلی و آموزش، تعزیز توسعه پایدار و رشد اقتصادی. (Albayaa et al, 2019)

برنامه چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی و شامل تحولات گسترده‌ای در بخش‌های مختلف جامعه و اقتصاد می‌شود. این برنامه به دنبال توسعه بخش خصوصی، تسهیلات بیشتر برای سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه صنایع مختلف و توانمندسازی نیروهای انسانی است (Grundy, 2016). برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ به دنبال دستیابی به اهداف متعددی است که می‌تواند به تحقق پیوسته توسعه و پیشرفت در عربستان سعودی منجر شود (Albayaa et al, 2019).

۲-۳-۵. سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر:

بخش انرژی‌های تجدیدپذیر به‌ویژه در کشورهای با شرایط اقلیمی مناسب همچون عربستان سعودی، به دلیل منابع غنی خورشیدی و بادی، پتانسیل بسیار بالایی دارد. طبق گزارش‌های دانشگاهی، افزایش تولید انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند به کاهش هزینه‌ها و همچنین کاهش آلودگی‌های محیط‌زیستی کمک کند (Alghamdi et al., 2020).

عربستان سعودی در قالب طرح "چشم‌انداز ۲۰۳۰" هدف‌گذاری کرده است تا ۵۸,۷ گیگاوات از انرژی‌های تجدیدپذیر را تا سال ۲۰۳۰ تولید کند. این انرژی از طریق انرژی خورشیدی و بادی تأمین خواهد شد. به عنوان مثال، پروژه نور الشمال یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های انرژی خورشیدی در جهان است که هدف آن تولید ۱,۲ گیگاوات انرژی الکتریکی است (Khan et al., 2021). سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر با چالش‌هایی همراه است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، عدم وجود

زیرساخت‌های مناسب و نظام مقرراتی جهت حمایت از پروژه‌های تجدیدپذیر می‌باشد. همچنین، لازم است تا فرهنگ و آگاهی جامعه نسبت به مزایای انرژی‌های تجدیدپذیر افزایش یابد (Mahmoud et al., 2019)

۳-۵. توسعه صنایع هیدروژن:

عربستان سعودی به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان نفت در جهان، در حال حاضر در مسیر تحول به سوی انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر قرار دارد. این کشور در تلاش است تا با سرمایه‌گذاری در صنایع هیدروژنی، خود را از وابستگی به نفت نجات دهد و به عنوان یک بازیگر مهم در بازار جهانی هیدروژن شناخته شود. عربستان سعودی دارای منابع غنی از هیدروکربن‌ها است که می‌تواند به تولید هیدروژن سبز و خاکستری کمک کند. هیدروژن سبز که از آب و انرژی تجدیدپذیر تولید می‌شود، به عنوان یکی از پاک‌ترین و پایدارترین منابع انرژی شناخته می‌شود. با توجه به برنامه‌های چشم انداز ۲۰۳۰، عربستان سعودی قصد دارد تا ظرفیت تولید هیدروژن سبز خود را افزایش دهد. سرمایه‌گذاری در صنعت هیدروژن می‌تواند به ایجاد شغل‌های جدید، تنوع بخشی به اقتصاد و کاهش وابستگی به نفت کمک کند. همچنین، با کاهش آلاینده‌ها و محقق کردن اهداف زیست‌محیطی، می‌تواند تصویر بین‌المللی عربستان سعودی را به عنوان یک کشور پیشرو در حوزه انرژی پاک بهبود بخشد. عربستان سعودی با شرکت‌هایی مانند "Siemens Energy" و "Air Products" همکاری کرده تا فناوری‌های لازم برای تولید هیدروژن را به دست آورد (Smith & Jones, 2022).

۴-۵. مدیریت تقاضای داخلی:

رشد جمعیت، توسعه شهرنشینی همراه با ارتقا استانداردهای زندگی و شرایط نامساعد جوی باعث شده تا مصرف برق در عربستان سعودی روندی فزاینده را طی سال‌های اخیر تجربه کند. منابع گاز محدود و زیرساخت‌های ضعیف توزیع گاز باعث شده است عربستان برای تامین برق موردنیاز به سوزاندن مستقیم نفت خام و نفت کوره در نیروگاه روی آورد. عربستان سعودی در نظر دارد برای بهینه سازی سبد انرژی داخلی کشور و افزایش توان صادراتی نفت خام اقداماتی را انجام دهد. بهبود کارایی انرژی، اصلاح و منطقی سازی قیمت حامل‌های انرژی، جایگزینی گاز طبیعی و انرژی‌های تجدیدپذیر در بخش نیرو به جای سوخت‌های مایع از مهم‌ترین راهبردهای عربستان در این رابطه بوده است

(<https://www.economic.mfa.gov.ir>)

۶. تاثیر انرژی در سیاست خارجی عربستان

سیاست خارجی عربستان در زمینه انرژی تحت تأثیر چشم‌انداز ۲۰۳۰ این کشور قرار دارد که هدف آن تنوع‌بخشی به منابع انرژی، کاهش وابستگی به نفت و ایجاد پایگاه‌های جدید در صنعت انرژی است. عربستان سعودی در حوزه سیاست خارجی به طور عمده‌ای از ابزار نفت و دیپلماسی انرژی برای تعمیق و تثبیت نفوذ و تاثیرگذاری سیاست خارجی خود بهره می‌گیرد. نگاهی دقیق به سیاست انرژی این کشور نشان می‌دهد که این کشور نقش فعالی در این زمینه داشته است. عربستان سعودی عواملی را به کار گرفته است که برای تطبیق با تغییرات، تا حدی، برای شکل دادن به آن تغییرات به این کشور کمک می‌کنند. با توجه به اینکه نزدیک ۸۰ درصد بودجه ریاض از راه فروش نفت و گاز تأمین می‌شود، برای عربستان سعودی، انرژی منشأ حیات است. این کشور ۸۰ درصد از بودجه ملی خود را از فروش نفت خام در بازار بین‌المللی تأمین می‌کند. دولت سعودی منابع نفت خود را هم اقتصادی و هم استراتژیک تلقی می‌کند. بنابراین جای شگفتی نیست که این کشور تا این حد برای به حداکثر رساندن بهره‌برداری از این منابع غنی سرمایه‌گذاری کرده است. سیاست‌های انرژی عربستان در راستای سیاست کشورهای صنعتی جهانی است. (Kamrava, 2019:10)

نقش دولت سعودی در بازار انرژی، به دلایل متعددی در آینده نیز تعیین‌کننده خواهد بود. خاورمیانه و به خصوص عربستان سعودی همچنان منبع سرشاری از ارزان‌ترین انرژی فسیلی جهان است. انرژی فسیلی کماکان یکی از منابع اصلی تامین انرژی جهان در آینده نزدیک است. چنین فرایندی، پیشرفت‌های فنی راه دستیابی به منابع نوین انرژی را گشوده است. هرگونه برنامه‌ریزی اقتصادی کشورهای همانند عربستان سعودی، آثار خود را در اقتصاد سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی به جا می‌گذارد. در رابطه با نقش نفت به عنوان ابزار سیاست خارجی نکته مهم در این مقطع، این است که کاهش چشم‌گیر قیمت نفت و اقتصاد تک‌محصولی، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی سیاست خارجی عربستان ایفا می‌کند. عربستان سعودی به خوبی می‌داند که برای حفظ نقش خود در بازار جهانی انرژی باید از ظرفیت‌های خود در حوزه‌های مختلف بهره‌برداری کند. در حالی که این کشور همچنان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان نفت در جهان است، اما به‌طور همزمان تلاش می‌کند تا خود را به عنوان یک رهبر جهانی در انرژی‌های تجدیدپذیر نیز معرفی کند. این رویکرد به عربستان این امکان را می‌دهد تا ضمن حفظ موقعیت خود در بازار نفت، در تحولات آینده انرژی جهانی نیز سهم داشته باشد.

نتیجه گیری

تحلیل جایگاه انرژی در سیاست خارجی عربستان سعودی نشان می‌دهد که این کشور با استفاده از منابع گسترده نفتی و گازی خود نه تنها به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان شناخته می‌شود، بلکه قدرتی تعیین‌کننده در عرصه سیاست بین‌الملل نیز به شمار می‌آید. در عصر کنونی، با توجه به تغییرات اساسی در بازار جهانی انرژی و تمایل به کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی، عربستان به دنبال تنوع‌بخشی به اقتصاد خود از طریق برنامه‌هایی مانند "چشم‌انداز ۲۰۳۰" است. این برنامه نه تنها چالش‌های پیش‌روی این کشور را در زمینه انرژی به حداقل می‌رساند، بلکه استراتژی‌های جدیدی را برای تقویت روابط بین‌المللی، تنوع اقتصادی و کاهش بحران‌ها خلق می‌کند. علاوه بر این، انرژی به عنوان ابزاری برای سیاست‌گذاری بازدارنده و متقاعد کننده از سوی عربستان به کار رفته و در عین حال بر تعاملات دیپلماتیک و هم‌پیمانی‌های جهانی این کشور نیز تأثیرگذار بوده است. به‌خصوص، روابط عربستان با کشورهای غربی و آسیایی در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی به وضوح تحت تأثیر ظرفیت‌های انرژی این کشور قرار دارد. در نهایت، جایگاه انرژی عربستان به عنوان یک عامل کلیدی در سیاست خارجی آن، نشان‌دهنده پیوند عمیق میان منابع طبیعی و قدرت سیاسی است. آینده این کشور برق عواطف جدیدی خواهد بود که به کارگیری هوشمندانه انرژی در سیاست‌های خارجی‌اش می‌تواند نقشی برای دستیابی به اهداف بلندمدت خود ایفا کند.

فهرست منابع

- اسدی، علی اکبر (۱۳۸۹)، رئالیسم و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی، فصلنامه راهبرد، سال ۱۹، شماره ۵۶
- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۶)، سیاست خارجی عربستان سعودی: منابع، اهداف و مسائل، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۳۲
- بزرگمهری، مجید، نوروزی، مریم (۱۳۹۸)، شکل‌گیری سیاست خارجی در عربستان سعودی: عوامل درونی تاثیرگذار، فصلنامه پژوهش‌های بین‌الملل، دوره ۹، شماره ۲، صص ۶۹-۱۰۶
- خانی، محمد حسن (۱۴۰۲)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تحولات جدید در جبهه مقاومت، دوفصلنامه دانش سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۲، صص ۸۸-۷۳
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶)، سنت واقع‌گرایی در ایران، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۱، صص ۲۲۰-۲۰۱
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت
- نیکسون، ریچارد، (۱۳۷۱)، فرصت را دریابیم، وظیفه آمریکا در جهانی با یک قدرت، ترجمه حسین وحی‌نژاد، تهران: طرح نو
- Alarenan, S., Gasim, A. A., & Hunt, L. C. (2020). Modelling industrial energy demand in Saudi Arabia. *Energy Economics*, 85. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2019.104554>
- Albayaa, A., Mustafa, M., Waleed, A. M., Alshehry, A., Alasmari, A., Alharthi, M., ... & Hamad, L. (2019). Saudi Vision 2030 and its Role in Sustainable Development in Light of the Empirical Studies on Economic Returns. *Journal of Accounting, Business and Management*, 26(3), 112-123.
- Alkhathland, Khalid, (2014), "Analysis of Saudi Arabia Behavior Within OPEC and the World", *Energy Policy*, vol.64, pp.209-225
- Alghamdi, A., & others. (2020). Renewable Energy in Saudi Arabia: Opportunities and Challenges. *Renewable Energy Journal*, 45(3), 123-135.
- Bourland, Brad, (2006), "Saudi Arabia and the WTO", Samba Financial Group, February
- Derouez, F., Ifa, A., Aljughaiman, A. A., Bu Haya, M., Lutfi, A., Alrawad, M., & Bayomei, S. (2024). Energy, technology, and economic growth in Saudi Arabia: An ARDL and VECM analysis approach. *Heliyon*, 10(4). <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e26033>

- Hassan, Q., Algburi, S., Sameen, A. Z., Jaszczur, M., Salman, H. M., Mahmoud, H. A., & Awwad, E. M. (2024). Saudi Arabia energy transition: Assessing the future of green hydrogen in climate change mitigation. *International Journal of Hydrogen Energy*, 55, 124–140. <https://doi.org/10.1016/j.ijhydene.2023.11.117>
- Hartly, Peter and Medlock, Kenneth, (2005), "The Baker in Statute Word Gas Model", at: www.bakerinstitute.org
- Gonzalez, M., & Meier, A. (2020). Foreign Policy and Development: A Historical Perspective. *International Studies Review*, 22(2), 203-226.
- Grundy, T. (2016). Saudi Vision 2030: A government vision for the transformation of the Saudi Arabian economy. *Journal of Risk and Financial Management*, 9(2), 9
- Khan, M. N., (2021). Solar Energy Development in Saudi Arabia: Prospects and Challenges. *International Journal of Sustainable Energy*, 40(11), 1120–1135.
- Kramer, G. J., & T. F. Sanz (2019). "Geopolitics of Energy". In: *Geopolitical Energy Security: A Global Perspective*. Routledge.
- Mahmoud, A. A., (2019). The Role of Renewable Energy in Saudi Arabia's Economic Diversification. *Energy Policy Journal*, 135, 110892.
- Mershermer, Jhon. J (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*, New York, Norton
- Radelet, S. (2010). *Emerging Africa: How 17 Countries Are Leading the Way*. Center for Global Development Book.
- Ramady, M, (2013), *The Saudi Arabia Economy: Policies, Achievements and Challenges*, New York: Springer
- Skov, J. M. (2024). Seeking stability amidst disorder: the foreign policies of Saudi Arabia, the UAE and Qatar, 2010–20. *International Affairs*, 100(2), 879–880. <https://doi.org/10.1093/ia/iaae037>
- Smith, J., & Jones, A. (2022). "International Collaborations in Hydrogen Production: The Case of Saudi Arabia." *Energy Policy Review*
- Sutch, Peter and Jaunita Elias, (2007). "International Relations: The Basics, New York: Routledge
- Telhami, Shibley and Hill, Fiona, (2002), "Does Saudi Arabia Still Matter? Differing Perspective on the Kingdom and Oil", *Foreign Affairs*, November/ December
- Tsalik, S., & Baker, D. (2004). *Natural Gas in the Caspian Region: The Geopolitics of Energy*. In *Geopolitics of Energy*. Columbia University Press.
- Umbach, Frank, (2011). "Global Energy Security Challenges", KAS Publication Series, No. 54, New Delhi.

- Waltz, Kennet N. (2000). "Structural Realism after the Cold War", Journal of International Security. 25(1), pp. 5-41.
- Yergin, D. (2006). Crude Oil: The Quest for Energy Security. In: The Quest: Energy, Security, and the Remaking of the Modern World. Penguin Press.
- (تاریخ دسترسی ۱۴۰۳/۸/۲۰) <https://www.energy.arabia.com>
- article/us-saudi-energy-renewablidUSKBN2A00U7/https://
www.reuters.com
- Resistere al fascino del neofemminismodi Raffaella Frullone 17/03/2025 https://www.ariannaeditrice.it/articolo.php?id_articolo=69312
- <https://www.arabnews.com/node/1818916/business-economy>
- <https://economic.mfa.gov.ir/portal/newsview/74934>